افاضات مسعودی

جذابیت های این فوتبالِ بی جذابیت!

بارها از زیبایی های فوتبال و جذابیت های این ورزش زیبا نوشتیم اما چه فایده ! فوتبال در ایران چیزی شبیه به یک جنگ تمام عیار همراه با لشگرکشی های مجازی است. خدا نکند استقلال ببازد، پرسپولیسی ها آنچنان الفاظ رکیک و زشت و مطالب توهین آمیزی برای باخت استقلال در شبکه های مجازی ردیف می کنند که مخ آدم از شنیدنشان سوت می کشد. عکس این قضیه هم صادق است یعنی خدا نکند پرسپولیس ببازد، آنوقت استقلالی ها هم به تلافی، هرچقدر جوک و طنز و فحش و توهین و الفاظ رکیک و زشت است را نثار پرسپولیسی ها می کنند. این اواخر در کری خوانی های هواداران این دو تیم پای غریبه ها هم باز شده است. وقتی استقلال با شش گل به العین باخت، عمرعبدالرحمن شده بود نماد پرسپولیسی ها برای تمسخر استقلالی ها، حالا که پرسپولیس با شکست سنگین در مقابل الهلال با گلهای عمر الخریبین از صعود به فینال بازماند این بازیکن هم شده نماد استقلالی ها برای تمسخر پرسپولیسی ها ! خلاصه اوضاع بسیار بد و خرابی است آنقدر که برخی تماشاگران پرسپولیس در یک بازی ملی در برابر الهلال بنر تمسخر منصوریان را به استادیوم می برند و اینطرف در فضای مجازی استقلالی ها حسابی از خجالتشان در می آیند. فحش و فحش کاری های درون استادیوم را دیگر نگویم که اگر می خواهید انواع و اقسام فحش های جدید را بشنوید از همین الان بلیط دربی را بخرید که هم فال است و هم تماشا! چرا که می توانید با رفتن به یک دربی و شنیدن هزاران هزار فحش یکبار برای همیشه تصمیم بگیرید که دیگر به استادیوم نروید و عطای این فوتبال را به لقایش ببخشید و تاسف بخورید از اینکه چرا فرهنگ هواداری ما به سمتی رفته که بجای لذت بردن از این فوتبال باید شاهد توهین و فحاشی و الفاظ زشت و لشگرکشی های مجازی باشیم.

به جرات میگویم که اگر در این زمینه اندیشه ای نکنیم و کاری انجام ندهیم جمع کردن این قائله و درست شدن فضای فوتبال ما شاید دیگر شدنی نباشد و به زعم برخی همین حالا هم خیلی دیر است. کاش بزرگان فوتبال ما کاری بکنند و در این زمینه تدبیری بیندیشند و بستری فراهم کنند که دیگر شاهد این مشکلات نباشیم .

مسعودعطری

حق پخش، سرِ کلاف سردرگم فوتبال حرفه‌ای

سامان زمان‌زاده

دو اتفاق/خبر در هفته اخیر فوتبال ایران رخ داد که به‌ظاهر ربط چندانی به‌هم نداشتند. اما ازقضا به‌طور مستقیم به‌هم مربوطند.اولی اتفاقی بود که به صورت مستقیم و دست اول مشاهده شد و سپس از حواشی و صحبت‌ها پی به اصل ماجرا بردیم.

بازی استقلال و نفت تهران

کارگردانی تلویزیونی به شکل عجیب و غریبی غیراستاندارد است. زوایای کور، دو دوربین عمومی، یکی بسیار نزدیک به زمین و با حرکت سریع که دنبال کردنش واقعا سرگیجه‌آور بود و دیگری با زاویه پایین به بالا که مشابهش را سخت بشود در تاریخ پخش فوتبال در تلویزیون پیدا کرد.

حیرت‌زده بودم از کیفیت ضعیف کارگردانی و تصویربرداری که با انتشار تصویری از استادیوم بین دونیمه بازی در اینترنت ماجرا روشن شد. روی بنر تبلیغاتی کنار زمین نوشته شده بود:

«به علت تصویربرداری غیراستاندارد صدا و سیما از مردم شریف عذرخواهی می‌نماییم»

ماجرای جنگ قدیمی فدراسیون و صداوسیما بر سر حق پخش و تبلیغات تلویزیونی. اینکه فدراسیون معتقد است باید مبلغ مناسبی از تلویزیون به عنوان حق پخش دریافت کند و از سوی دیگر تلویزیون نه‌تنها با چنین چیزی مخالف است بلکه حتی توقع دارد از پخش تبلیغات حاشیه زمین نیز عایدی کسب کند. نتیجه این دعوا در حال حاضر تصاویر بی‌کیفیت و زوایای عجیب و غریبی است که فوتبال دیدن را به شکنجه تبدیل کرده.

خبر دوم اما این بود که پس از سخت‌گیری‌های ای اف سی درباره بدهی‌ها و تراز مالی باشگاه‌های راه‌یافته به لیگ قهرمانان که اخیرا به اخطار جدی و حتی خطر حذف باشگاه‌های عربستانی، اماراتی و ایرانی انجامیده، این شایعه قوت گرفته که دولت قرار است بدهی چند میلیارد تومانی پرسپولیس و استقلال را بپردازد تا این دوتیم بتوانند در آسیا مسابقه بدهند.

به تبع این موضوع اعتراضاتی را در پی داشت. از سویی آن‌ها که معتقدند باشگاه‌ها نباید از درآمد عمومی ارتزاق کنند و اینکه «فوتبال در همه‌جای دنیا پولساز است» و چرا در ایران باید باشگاه‌ها بودجه دولتی را مصرف کنند؟ هر گروهی هم مطابق معمول راه‌های بهتری که به ذهنشان می‌رسد برای خرج کردن این پول را مطرح کرده و توی سر فوتبالدوستان می‌زنند.

به ظاهر اعتراض منطقی است و در راستای بحث همیشگی فوتبال ایران، خصوصا پس از حرفه‌ای شدن در دهه هفتاد قرار می‌گیرد. اینکه اگر فوتبال ما عنوان حرفه‌ای را یدک می‌کشد باید باشگاه‌ها هم بنگاه‌های درآمدزا باشند و نه فقط مصرف‌کننده.

و در پی آن، بحث خصوصی‌سازی باشگاه‌ها، خصوصا تیم‌های بزرگ و پرهوادار درمی‌گیرد و به این سئوال ختم می‌شود که خب حالا باشگاه‌ها خصوصی شوند، درآمد ندارند پول اداره‌شان از کجا تأمین شود؟ و گفتگو به این سمت منحرف می‌شود که اول بهتر است باشگاه‌ها خصوصی شوند و بعد خودبخود درآمدزا می‌شوند یا اینکه اول باید درآمدزا شوند و بعد بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری ترغیب خواهد شد؟ و بدین ترتیب معمولا بحث فوتبال حرفه‌ای و خصوصی‌سازی در فوتبال ما به یک چرخه، اول مرغ بود یا تخم مرغ تبدیل می‌شود.

اما حقیقت این است که سر این کلاف را پیدا کردن زیاد هم سخت نیست. و این دقیقا جایی‌است که دو خبر فوق را به‌هم مربوط می‌کند.

بله برای خصوصی‌سازی باشگاه‌ها باید درآمدزا شوند. اما درآمد باشگاه‌ها از کجاست؟

اجازه بدهید نگاهی بیاندازیم به باشگاه‌های بزرگ جهان. برای مثال لیگ برتر انگلستان. گزارش گاردین از ریز درآمد باشگاه‌ها در فصل ۱۶-۲۰۰۵ اطلاعات جالبی به دست می‌دهد.بیشترین درآمد را در میان باشگاه‌های لیگ برتر در آن فصل منچستریونایتد داشت با چیزی در حدود ۵۱۵ میلیون پوند ورودی خالص. تیمی که حتی در چمپیونزلیگ حضور نداشت. بیش از نیمی از این درآمد (حدود ۵۲ درصد) از فروش محصولات باشگاه، تبلیغات تجاری و درآمدهای مربوط به برند حاصل شده و چیزی در حدود ۱۴۰ میلیون پوند هم از درآمد حق پخش تلویزیونی (حدود ۲۷ درصد). ۲۱ درصد باقیمانده هم از درآمد روز بازی (فروش بلیط، غذا، نوشیدنی و...) تأمین شده است.تیم دوم منچسترسیتی است. با درآمد حدود ۳۹۲ میلیون پوند. چون آبی‌ها در لیگ قهرمانان حاضر بودند درآمدشان از حق پخش بالاتر است و به ۴۵ درصد کل درآمد تیم می‌رسد (۱۶۱ میلیون پوند)، ۱۷۸ میلیون پوند از فروش محصولات و سایر فعالیت‌های تجاری و ۵۳ میلیون پوند هم درآمد روز بازی.

همین درصدها کمابیش برای سایر تیم‌های بزرگ لیگ انگلیس (معروف به تاپ سیکس) برقرار است. ممکن است نسبت‌ها متغیر باشد مثلا آرسنال تیم سوم پردرآمد لیگ (۳۵۴ میلیون پوند)، درصد بالاتری از درآمدش را در روز بازی به دست می‌آورد (حدود ۳۰ درصد). اما در نهایت می‌توان گفت که سه منبع عمده درآمد تیم‌ها را تأمین می‌کنند. حق پخش تلویزیونی، درآمد روز بازی و فروش محصولات تجاری. با این تفاسیر می‌شود استدلال کرد که حتی اگر مرافعه پیرامون حق پخش و درگیری بین فدراسیون و صداوسیمایی که علاقه ندارد پولی بپردازد به جایی نرسد، این یکی از سه منبع اصلی است و بازهم راه‌های دیگری برای تأمین هزینه باشگاهها وجود دارد.شاید در ابتدای امر این نتیجه‌گیری درست به نظر بیاید. اما اگر دو موضوع مهم را لحاظ کنیم ورق برمی‌گردد و شاید نگاه ما به ماجرا کاملا تغییر کند. نخست اینکه در واقع همین حالا هم این‌دو منبع تنها منابع درآمد باشگاه‌های ما هستند. همان بخش کوچکی از بودجه باشگاه‌ها که توسط خود تیم‌ها تأمین می‌شود دقیقا از همین دو مفر به دست می‌آید. بلیط‌فروشی روز بازی و فروش برند و تبلیغات. درست است که با نبود کپی‌رایت و عدم کنترل باشگاه‌ها روی فروش پیراهن و همینطور عدم تملک ورزشگاه‌ها این مبلغ از پتانسیل واقعی بسیار کمتر است، اما حداقل روی روال و رویه‌ای برقرار است و می‌توان امیدوار بود که در آینده پیشرفت کند.

حتی در همین شرایط فعلی و نبود حق انحصار پیراهن نیز اگر باشگاه‌ها سیاست درستی برای تولید و فروش محصولات خود داشته باشند احتمالا بتوانند با استفاده از تسهیلات دنیای سایبری امروز از سد مانع محصولات تقلبی بگذرند و هواداران را مجاب کنند که محصول اصلی بخرند. مسلما هوادار اگر دسترسی آسان و مستقیم به محصولات باشگاه با قیمت معقول داشته باشد سراغ محصول تقلبی نخواهد رفت. فقط اراده جدی می‌خواهد و دلیل اینکه چرا این پتانسیل تا حال به فعل درنیامده بماند برای بحثی جدا، فعلا اینکه به نظر بستر ماجرا فراهم است.

نکته دوم که بسیار مهم‌تر است، این که آیا درصدهایی که از بررسی درآمد باشگاه‌های بزرگ به دست آوردیم معیار خوبی برای مقایسه است؟ آیا واقعیت را به ما می‌گوید؟ پاسخ منفی است.به هیچ‌وجه منطقی نیست درآمد باشگاه‌های داخلی را با ابرباشگاه‌های بین‌المللی مقایسه کنیم. وقتی درباره چنین تیم‌هایی حرف می‌زنیم باید بدانیم که بخش مهمی از درآمد تجاری و پول حاصل از برند از میلیون‌ها هوادارشان در سراسر جهان به صورت مستقیم و غیرمستقیم حاصل می‌شود. در حالی‌که باشگاه‌های ما اگر اصولا هواداری داشته باشند (بحث تیم‌های بی‌هوادار در فوتبال ما هم میتواند به نوبه خود جالب باشد اما فرض کنیم حالا درباره تیمهایی حرف میزنیم که کمابیش هوادار دارند) محدود به منطقه و استان و نهایتا برای دو باشگاه سطح کشور است.

حالا برای روشن شدن ماجرا حالا نگاهی بیاندازیم به درآمد باشگاه‌های کوچک-تر لیگ برتر انگلستان:

کریستال پالاس تیم چهاردهم جدول ۱۰۲ میلیون پوند درآمد داشت که ۷۸ میلیون پوند آن از حق پخش تلویزیونی بود. یعنی ۷۶ درصد کل درآمد. وست بروموویچ تیم دهم ۹۸ میلیون درآمد داشت که ۷۹ میلیون آن از حق پخش تلویزیونی به دست آمده. یعنی حدود ۸۰ درصد کل درآمد. این نسبت کمابیش برای سایر تیم‌ها (به جز تاپ سیکس) برقرار است.

نگاهی به سایر لیگ‌ها خصوصا لیگ‌های دیگر به جز ۵ لیگ اول اروپا نیز چنین نسبتی را کمابیش تأیید می‌کند. در لیگ هلند برای مثال تفاوت فاحشی بین درآمد باشگاه‌های حاضر در لیگ‌های اروپایی و سایر باشگاه‌ها وجود دارد. برای مثال باشگاه خرونینگن صرفا با راه‌یابی به لیگ اروپا موفق شد سود خالصش را در یک‌سال بیش از دوبرابر کرده و به نزدیک ۴ میلیون یورو برساند.

کاملا واضح است که حق پخش تلویزیونی درآمد اصلی بیشتر باشگاه‌های متوسط و کوچک است و بدون آن هیچ‌کدام از این تیم‌ها امکان بقا نخواهند داشت. دقیقا به همین دلیل بود که وقتی در سال ۲۰۱۷ طرح اصلاحیه‌ای مطرح شد که در آن درآمدهای تلویزیونی خارج از بریتانیا نیز مانند حق پخش داخلی به نسبت رتبه تیم‌ها تقسیم شود (در حال حاضر درآمد حق پخش خارجی به‌طور مساوی تقسیم می‌شود) با مخالفت باشگاه‌های کوچک تصویب نشد.

شاید زمانش رسیده باشد که برخی کلیشه‌ها را نسبت به اقتصاد فوتبال کمی اصلاح کنیم. حقیقت این است که امروز حتی در اروپا، قلب فوتبال حرفه‌ای و حتی در باشگاه‌های بزرگ با درآمد کلان، مشکل تراز کردن هزینه و درآمد به شدت وجود دارد. خصوصا در دهه اخیر با رشد سرسام‌آور قیمت و دستمزد بازیکنان به دلیل تورم ناشی از ورود پول‌های هنگفت خارج از فوتبال، این تعادل به شدت به سمت هزینه به هم خورده و بسیاری از باشگاه‌ها با مشکلات مالی دست و پنجه نرم می‌کنند و بدهی‌های کلان دارند.

از سوی دیگر در قرن بیست و یکم جذابیت فوتبال و حواشی آن سرمایه‌های نفتی و دولتی را به فوتبال اروپا سرازیر کرد و یوفا ناگزیر به واکنش، مجبور شد قوانین فیرپلی مالی را تنظیم کند. تمام این شواهد برای اینکه کمی نگاه خطاپوش‌تر نسبت به باشگاه‌های فوتبال داخلی داشته باشیم کافی است.درست است که تیمهای ما عموما حتی قادر به تأمین بخش اندکی از بودجه خود نبوده و کاملا متکی به پول دولتی هستند. اما نکوهش صرف تیم‌ها و مدیرانشان حذف صورت مسئله است. روشن است که بدون دریافت حق پخش منطقی که بتواند بخش قابل توجهی از بودجه باشگاه را تأمین کند، اصولا امکان تراز هزینه و درآمد نه برای باشگاه‌های ایرانی که برای اکثریت قریب به اتفاق باشگاه‌های فوتبال حرفه‌ای سطح اول در کشورهای مختلف دنیا وجود ندارد.

چندسال پیش وقتی بحث حق پخش برای نخستین‌بار جدی شد و فدراسیون و صداوسیما بالاخره پس از سال‌ها کشمکش روی مبلغی هرچند ناچیز برای یک‌دوره ۵ ساله به توافق رسیدند، نمایندگان صداوسیما با این استدلال که پرداخت پول صداوسیما به فدراسیون «این جیب به آن جیب» است مقاوت خود را توجیه می‌کردند. البته شاید در ظاهر این استدلال منطقی به نظر بیاید و پرداخت پول به باشگاه‌ها از سوی دولت تفاوت چندانی با صدا و سیما نداشته باشد، اما در حقیقت اینطور نیست و به این طریق این جریان مالی شکل منطقی و حرفه‌ای خواهد گرفت. نه اینکه هرسال باشگاه‌هایی که در سطح اول فوتبال کشور رقابت می‌کنند با نهاد متبوع خود بر سر بودجه چانه بزنند و حتی خطر این را احساس کنند که فلان مدیر در فلان بخش تغییر و با یک امضا بودجه باشگاه را کم یا حتی قطع کند. پرداخت حق پخش منصفانه به فدراسیون فوتبال (به نمایندگی از باشگاه‌ها) سرِ کلاف سردرگمی است که ما را یک قدم بزرگ به استانداردهای جهانی فوتبال حرفه‌ای نزدیک خواهد کرد. خصوصا اینکه صداوسیما (که خود ردیف بودجه دولتی دارد) از پخش همین بازی‌ها نیز درآمد سرشاری کسب می‌کند (شاید دلیل محکمی باشد برای نقض توجیه این جیب به آن جیب) و حداقل می‌تواند باشگاه‌ها را در این درآمد سهیم کند.

اینکه کشمکش فدراسیون و صدا و سیما به کجا می‌انجامد مشخص نیست. اما حداقل تا زمانی که تیمهای فوتبال ما از مهم‌ترین منبع مالی فوتبال حرفه‌ای محروم هستند یا مبلغ ناچیز و غیرمنطقی به دست میآورند منطقی نیست که ورود دولت برای بازپرداخت بدهی‌ها و رفع موانع حضورشان در مسابقات بین‌المللی را سرزنش کنیم. خصوصا در مورد باشگاه پرسپولیس و استقلال که اساسا مالکیتشان با دولت است. حق پخش که به باشگاه داده نمیشود، مالک باشگاه هم بدهی را پرداخت نکند. خب این تیم باید از کجا پول بیاورد برای هزینههایش؟

اینکه در شرایط فعلی بگوییم بهتر است این تیمها خصوصی شوند هم باز به نوعی پاک کردن صورت مسئله است. باشگاهی که مثلا سالی ۱۰۰ میلیارد تومان هزینه و ۲ میلیارد تومان درآمد دارد برای کدام بخش خصوصی توجیه اقتصادی دارد؟ تجربه چندسال اخیر به روشنی پاسخ این سئوال را میدهد. اگر دغدغه این است که با واگذاری به بخش خصوصی، دولت مجبور نیست هزینه کند و باری از روی دوش دولت برداشته می‌شود، بهتر است نگاهی به سرنوشت باشگاههای خصوصی و یا افرادی که هزینه-های میلیاردی برای پرسپولیس و استقلال میکردند و حاشیههای پیرامون ثروتشان بیاندازید.هیچ عقل سلیم و خیرخواهی نمی-پذیرد دو باشگاه پرطرفدار فوتبال کشور را برای اینکه بودجه دولتی اندکی(در مقیاس دولت یک کشور حقیقتا قابل توجه نیست) را مصرف نکنند، بیاندازیم میان هزارتویی از فعالیتهای مبهم شبه اقتصادی و پولهایی که مشخص نیست از کجا آمده. که هرکسی بیاید و استفاده خودش را بکند و سپس تیم را رها کند به امان خدا. بالاخره فوتبال هزینه دارد و این هزینه باید از جایی تأمین شود. این که چشممان را به روی شرایط ببندیم و صرفا بگوییم چه معنی دارد دولت پول بدهد باشگاه‌ها بدهیشان را صاف کنند دقیقا مانند این است که بخواهیم تیم‌ها تعطیل شوند یا فوتبال به شرایط کاملا آماتور پیش از دهه هفتاد برگردد.

رونوشت آگهی حصروراثت

آقای مرادعلی بیالو دارای ش ش ۳۰۱۳ بشرح دادخواست به کلاسه ۳/۲۴۸۰/۹۶ ش از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان خانم گل گز بیانلو به ش ش ۱۵۹۲ در تاریخ ۹۶/۷/۱۸ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه آنمرحوم منحصر است به ۱-مرادعلی بیالو ف یوسفعلی ش ش ۳۰۱۳ صادره خوی پسر متوفی ۲- کبری بیالو ف یوسفعلی ش ش ۳۰۱۲ صادره خوی دختر متوفی ۳- خدیجه بیالو ف یوسفعلی ش ش ۲۷۴۲ صادره خوی دختر متوفی اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت فقط ماهی یک مرتبه آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد .

رئیس شعبه سوم شورای حل اختلاف خوی

آگهی ابلاغ

بدینوسیله در پرونده کلاسه ۹۶۰۰۳۴ این دادگاه به متهمین آقایان مجتبی – مصطفی – مرتضی – محسن – مهدی- محمد جملگی گل محمد زاده فرزندان حسینعلی و نیز داود اسلامی فرزند محرمعلی و تقی سیم کش که متهم به مشارکت در سرقت مقرون به آزار موضوع ماده ۶۵۱ قانون مجازات اسلامی و ضرب و جرح عمدی و تخریب عمدی می باشند ابلاغ می گردد برابر تصمیم دادگاه محترم به ترتیب خانمها اقدس رهائی- مهتاب کوشا- مطهره امیریان فر- مهرنوش خراسانی – آذر افشاری- بنت الهدی بداقی- فاطمه بینشیان و زهره مداح بعنوان وکیل تسخیری شما در پرونده کلاسه مذکور انتخاب شده اند ضمناً از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت ده روز نسبت به اعلام ایرادات و اعتراضهای خود از قبیل مرور زمان- رد دادرس – عدم صلاحیت یا قابل تعقیب نبودن عمل انتسابی – نقص تحقیقات و لزوم رسیدگی به ادله دیگر یا ادله جدید و کافی نبودن ادله را به این دادگاه اعلام نمائید.

مدیر دفتر شعبه اول دادگاه کیفری یک سمنان – حسین بلبلیان

آگهی ابلاغ اجرائیه ماده۱۸- آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا مصوب تیرماه ۱۳۵۵ (اصلاحی مورخه ۸۷/۶/۱۱)

بدینوسیله به آقای قربان پیری ف جعفر ش ش ۹۶۲ صادره از به کدملی ۴۹۲۹۳۵۴۴۹۸ در آدرس : خوی- خ کارگر ک قیام۱۱ پ۷۹ ابلاغ میشود که خانم روح انگیز محمدزاده برای وصول مبلغ یک میلیون ریال (بدون محاسبه شاخص بها از بانک مرکزی) بموجب مستند پرونده اجرائی ۹۶۰۰۳۰۷ که از طریق اجرای ثبت خوی اجرائیه صادر نموده چون طبق گزارش شماره ۱۳۹۶۰۵۰۱۳۴۴۷۰۰۱۱۳۹- ۹۶/۸/۱ مامور ابلاغ این اداره آدرس شما بشرح فوق و متن شناخته نشده و بستانکار هم نتوانسته شما را برای ابلاغ اجرائیه معرفی نماید لذا طبق درخواست وارده بشماره ۱۳۹۶۰۵۱۳۴۴۷۰۰۳۲۵۹- ۹۶/۸/۴ بستانکار و با ستناد ماده۱۸ آئین نامه اجرائی مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا مصوب تیرماه سال ۱۳۵۵ (اصلاحی مورخه ۸۷/۶/۱۱) مفاد اجرائیه یک مرتبه در جراید کثیرالانتشار آگهی می شود و ۱۰ روز پس از تاریخ انتشار آگهی عملیات اجرائی جریان خواهد یافت و چنانچه پس از ده روز نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمائید عملیات اجرائی پیگیری خواهد شد و جز این آگهی آگهی دیگری منتشر نخواهد شد .

معاونت اداره کل و سرپرست ثبت خوی سلیمانپور

شماره ابلاغنامه: ۹۶۱۰۱۰۴۴۴۷۳۰۷۰۶۶، شماره پرونده: ۹۵۰۹۹۸۴۴۴۳۲۴۰۰۳۲۰ ،شماره بایگانی شعبه: ۹۵۰۰۹۸، تاریخ تنظیم: ۱۳۹۶/۸/۷. آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و دادخواست و ضمائم به آقای سلیمان قادری فرزند سواره . خواهان دادخواستی به طرفیت خوانده به خواسته مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۴۴۴۳۲۴۰۰۳۲۰ شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان نقده ثبت و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۱۷ ساعت ۱۰:۰۰ تعیین که حسب دستور دادگاه طبق موضوع ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی به علت مجهول‌المکان بودن خوانده و درخواست خواهان مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌گردد تا خوانده ظرف یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود، نسخه ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر گردد.

دادگاه حقوقی شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان نقده

متن آگهی

محکوم له : یعقوب قاسمی محکوم علیه : آیدین بهمرد پیرو آگهی های منتشره در جراید بدینوسیله به محکوم علیه آقای آیدین بهمرد قشلاق که مجهول المکان می باشد ابلاغ می شود طبق اجرائیه صادره از شعبه نهم دادگاه حقوقی ارومیه در پرونده کلاسه ۹۴۰۴۱۷ بموجب درخواست اجرای حکم به شماره دادنامه مربوطه ۹۴۰۹۹۷۴۴۱۰۹۰۱۵۱۸ محکوم علیه محکوم است به پرداخت مبلغ ۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بعنوان اصل خواسته و هزینه دادرسی به مبلغ ۹/۲۵۸/۰۰۰ ریال و خسارت تاخیر تادیه از تاریخ تقدیم دادخواست ۹۴/۵/۱۱ لغایت زمان اجرای حکم در حق خواهان و پرداخت نیم عشر دولتی در حق صندوق دولت . اجرای احکام مکلف است هزینه دادرسی خسارت تاخیر تادیه را از محکوم له دریافت نماید .

مدیر دفتر دادگاه حقوقی شعبه نهم دادگاه عمومی (حقوقی) شهرستان ارومیه – امین غنی زاده

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی آقای هادی اسدی ارجمندی فرزند غلامحسین

شاکی اقای محمد قربان نیا کریمی فرزند عباس شکایتی علیه آقای هادی اسدی ارجمندی فرزند غلامحسین دایر بر ایراد ضرب و جرح عمدی مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره کلاسه ۹۵۰۹۹۸۱۱۱۳۶۰۰۵۷۴ شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان بابل (۱۰۱ جزایی سابق) ثبت و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۶/۰۹/۲۱ ساعت ۰۸:۰۰ تعیین که حسب دستور دادگاه طبق موضوع مواد ۱۷۴ و ۳۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری به علت مجهول المکان بودن متهم و درخواست شاکی مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می گردد تا متهم ظرف یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود، و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر گردد.

مدیر دفتر شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان بابل (۱۰۱ جزایی سابق)– سید اسمعیل نصیری مری

آگهی حصر وراثت

خانم معصومه عبدل زاده فرزند غلامرضا به شرح درخواستی که به شماره ۴/۹۶/۳۲۶ از این شورا ثبت گردیده درخواست گواهی انحصار وراثت نموده و اعلام داشته موسی عرب جعفری فرزند اصغر به شناسنامه ۶۵۹ صادره از بهشهر درتاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۷ اقامتگاه دائمی خود شهرستان بهشهر فوت نموده و ورثه / وارث حین الفوت وی عبارتست از: ۱- معصومه عبدل زاده فرزند غلامرضا ش.ش ۲۰۹۴ صادره از قوچان متولد ۱۳۵۰/۱۰/۳ ۲- ننه خانم عرب جعفری فرزند موسی ش.ش ۱۲۸۷ متولد ۱۳۳۵/۵/۱ دختر متوفی ۳- علی عرب جعفری فرزند موسی ش.ش ۱۷۹۵ صادره از بهشهر متولد ۱۳۴۴/۶/۲ پسر متوفی ۴- احمد عرب جعفری فرزند موسی ش.ش ۲۰۹۷ صادره از بهشهر متولد ۱۳۴۷/۶/۱۷ پسر متوفی ۵- رضا عرب جعفری فرزند موسی ش.ش ۲۱۷۰۴۰۰۵۰۸ صادره از بهشهر متولد ۱۳۸۰/۴/۸ پسر متوفی ۶- برات عرب جعفری فرزند موسی ش.ش ۲۱۷۰۴۳۴۵۲۶ صادره از بهشهر متولد ۱۳۸۱/۱۱/۱۲ پسر متوفی ۷- سکینه عرب جعفری فرزند موسی ش.ش ۱۷۰۱ متولد ۱۳۴۰/۵/۶ دختر متوفی ۸- معصومه عرب جعفری فرزند موسی ش.ش ۱۲۸۹ صادره از بهشهر متولد ۱۳۳۹/۵/۶ دختر متوفی ۹- خدیجه عرب جعفری فرزند موسی ش.ش ۱۷۰۲ صادره از بهشهر متولد ۱۳۴۱/۴/۶ دختر متوفی لاغیر، اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را یک مرتبه آگهی می نماید تا هرکس اعتراضی دارد و یا وصیتنامه ای از متوفی نزد او باشد از تاریخ انتشار آگهی ظرف یکماه به شورا مراجعه و تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

قاضی شعبه چهارم شورای حل اختلاف بهشهر

اجرائیه

مشخصات محکوم له: جمشید داده شریف بیگلو فرزند اسرافیل به نشانی اردبیل – شهرک سینا- فلکه سینا- خیابان الغدیر – خیابان وصال- کوچه شهید آهن زاده – کوچه فرعی اول- قطعه ۲۰۶ – طبقه ۳ مشخصات محکوم علیه: منصور امانی به نشانی اردبیل –سه راه دانش – کوچه نواب صفوی – منزل اصغر امانی مشخصات نماینده یا قائم مقام قانونی محکوم له: عزیز عزیزی صومعه فرزند فتح اله به نشانی اردبیل میدان شریعتی بطرف سه راه دانش روبروی داروخانه دکتر عاشوری وکیل جمشید داده شریف بیگلو محکوم به بموجب درخواست اجرای حکم مربوطه به شماره ۹۶۱۰۰۹۰۴۹۶۵۰۰۵۴۸ و شماره دادنامه مربوطه ۹۶۰۹۹۷۰۴۹۶۵۰۰۲۲۲ محکوم علیه منصور امانی محکوم است به پرداخت مبلغ ۱۸۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال از بابت اصل خواسته و مبلغ ۴/۷۲۰/۰۰۰ ریال از بابت هزینه دادرسی نیز خسارت تاخیر تادیه از تاریخ تقدیم دادخواست لغایت اجرای حکم با توجه نرخ تورم سالانه بانک مرکزی و پرداخت حق الوکاله وکیل در محکوم له و همچنین مبلغ ۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال از بابت نیم عشر دولتی در حق صندوق دولت ضمنا به علت غیابی بودن رای صادره اجرایی حکم منوط به رعایت تبصره ۲ ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی مدنی خواهد بود. محکوم علیه مکلف است از تاریخ ابلاغ اجرائیه : ۱- ظرف ده روز مفاد آنرا به موقع اجرا گذارد (ماده ۳۴ قانون اجرای احکام مدنی)۲- ترتیبی برای پرداخت محکوم به بدهد ۳- مالی معرفی کند که اجرا حکم و استیفا محکوم به از آن میسر باشد . چنانچه خود را قادر به اجرای مفاد اجرائیه نداند باید ظرف سی روز کلیه اموال خود را شامل تعداد یا مقدار و قیمت همه اموال منقول و غیر منقول به طور مشروح مشتمل بر میزان وجوه نقدی که به هر عنوان نزد بانکها و موسسات مالی و اعتباری ایرانی یا خارجی دارد به همراه مشخصات دقیق حسابهای مذکور و کلیه اموالی که او به هر نحو نزد اشخاص ثالث دارد و کلیه مطالبات او از اشخاص ثالث و نیز فهرست نقل و انتقالات و هر نوع تغییر دیگر در اموال مذکور از زمان یک سال قبل از طرح دعوای اعسار به ضمیمه دادخواست اعسار به مقام قضائی ارائه نماید والا به درخواست محکوم له بازداشت میشود (ماده ۸ و ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴)۴- خودداری محکوم علیه از اعلام کامل صورت اموال به منظور فرار از اجرای حکم حبس تعزیری درجه هفت را در پی دارد (ماده ۳۴ قانون اجرای احکام مدنی و ماده ۲۰ ق . م . ا و ماده ۱۶ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴) ۵- انتقال مال به دیگری به هر نحو با انگیزه فرار از ادای دین به نحوی که باقیمانده اموال برای پرداخت دیون کافی نباشد موجب مجازات تعزیری درجه شش یا جزای نقدی معادل نصف محکوم به یا هر دو مجازات می شود .(ماده ۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴)۶- چنانچه صورت اموال پس از مهلت سی روز ارائه شود آزادی محکوم علیه از زندان منوط به موافقت محکوم له یا تودیع وثیقه یا معرفی کفیل توسط محکوم علیه خواهد بود. (تبصره ۱ ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴)

شعبه ۳۵ شورای حل اختلاف شهرستان اردبیل

دادنامه

کلاسه پرونده: ۴/۴۴/۹۶ شماره دادنامه: ۵۶۷-۹۶/۶/۲۹ خواهان: بانک تجارت با وکالت خدیجه کریمی فیروزجائی به آدرس: بابل- ابتدای خ مدرس مجتمع بقراط خوانده: شمس اله حسین پور حاجی ف اسماعیل به آدرس: بابل-موزیرج پشت آهن فروشی قلی تبار مرغ فروشی خواسته : مطالبه وجه رای قاضی شورا در خصوص دعوی بانک تجارت با وکالت خدیجه کریمی فیروزجائی بطرفیت شمس اله حسین پور حاجی ف اسماعیل به خواسته مطالبه وجه ۳۷/۴۹۳/۸۸۰ ریال بابت استناد قرارداد نظر به مفاد دادخواست تقدیمی و مستندات ابرازی خواهان که دلالت بر استقرار دین به میزان و مبلغ خواسته بر عهده خواندگان داشته و بقاء اصول و مستندات مذکور در ید خواهان قرینه بر استحقاق وی در طلب وجه مزبور و استمرار دین بر ذمه خواندگان دارد و خواندگان نیز نسبت به دعوی مطروحه و مستندات ابزاری دفاع و ایراد موجه و محکمه پسندی به عمل نیاورده است لذا شورا با تمسک به اصل استصحاب و به استناد مواد ۱۹۸ و ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی دعوی مطروحه را صحیح و ثابت تشخیص و خواندگان به پرداخت تضامنی ۳۷/۴۹۳/۸۸۰ ریال بابت اصل خواسته و هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل در حق خواهان دعوی محکوم می نماید و نیز خوانده به پرداخت مبلغی بابت خسارت تاخیر تادیه برابر قرارداد بانکی از زمان مستند مزبور تا زمان اجرای حکم در حق خواهان محکوم که دائره اجرای احکام موظف به محاسبه و وصول از محکوم علیه می باشد. رای صادره غیابی ظرف بیست روز